

خیانت تاکتیکی ارتشبد

بررسی عملکرد ارتشبد قره‌باغی در دوره پهلوی

منصور نصیری طبیبی

◀ از دوران جوانی و در دانشکده افسری با ولیعهد یار و دم‌خور شد و همین باعث گردید که در دوران سلطنت محمدرضا پهلوی مدارج ترقی را به سرعت طی کند و از ستوان‌دومی پیاده به ریاست بزرگ ارتشداران و بعد از آن به عضویت در شورای سلطنت درآید. قره‌باغی به‌خاطر اعلام بی‌طرفی ارتش در بحبوحه پیروزی انقلاب اسلامی، به یک چهره سوال‌برانگیز تاریخی میدل‌گشت و با خائن قلمدادشدن او از سوی سلطنت‌طلبان، بر این ایهام افزوده شد، اما باید نگاهی دقیق‌تر به جزئیات تاریخ انقلاب اسلامی انداخت تا حقیقت روشن گردد. به‌نظر می‌آید حضور ژنرال هایزر (معاون فرمانده نیروهای امریکایی مستقر در اروپا) در کنار قره‌باغی و نقش او در ارتقاءات او تا عضویت در شورای سلطنت، می‌تواند مورد تامل قرار گیرد. هرچند هایزر نیز بعد از پیروزی انقلاب او را خیانتکار دانست اما مقاومت قره‌باغی تا روز قبل از بیست‌و‌دوم بهمن سال ۱۳۵۷ برای حفظ سلطنت، سرکوب مخالفان از سوی او، اختفای بیش از یک‌سال در تهران، فرار و پیوستن به عناصر گریخته از ایران و سرانجام ملاقات با رضا پهلوی و سایر مخالفان انقلاب، احتمالات و جراهای دیگری را در مورد او مطرح می‌کند. حتی طول کشیدن اختفای او در ایران برای چهارده‌ماه بی‌معنی نیست؛ چراکه او نیز می‌توانست زودتر از این موعد کشور را ترک کند. شاید حضور او در ایران برای طرح‌های براندازانه امریکا در ایران ضروری بود. قضاوت در این باره را باید به تاریخ و پژوهش‌های مفصل و دقیق‌تر سپرد. نوشتار زیر با لحاظ این سوالات، به معرفی قره‌باغی می‌پردازد.



عباس کریم قره‌باغی، فرزند کریم، در روز دهم آبان‌ماه ۱۲۹۷ ش^۱ در کوچه قره‌باغیهای تبریز متولد شد. وی پس از پایان تحصیلات ابتدایی برای گذراندن دوره متوسطه وارد دبیرستان رشیدیه تبریز شد اما در

سال ۱۳۱۳ دبیرستان مزبور را رها کرد و به دبیرستان نظام تبریز وارد شد. او در سال ۱۳۱۵ فارغ‌التحصیل گردید.^۲

قره‌باغی در مهرماه ۱۳۱۵ وارد دانشکده افسری شد.^۳ ورود او به دانشکده افسری، با دوره ولیعهدی محمدرضا پهلوی مصادف بود. وی که به اتفاق حسین فردوست، علی قوام و فتح‌الله مین‌باشیان در دسته ولیعهد بود، به سمت منشی مخصوص ولیعهد انتخاب شد.^۴

خدمت نظامی قره‌باغی از مهرماه ۱۳۱۷ با درجه ستوان‌دومی در هنگ پیاده پهلوی لشکر یکم آغاز شد. وی تا شهریور ۱۳۲۰ عهده‌دار فرماندهی گروهان مسلسل ضد‌هوایی در این هنگ بود.^۵ قره‌باغی در سال ۱۳۲۱ به منظور تشکیل سازمان گارد سلطنتی به یگان مزبور منتقل شد. وی در حین خدمت در گارد سلطنتی، دوره حقوق دانشگاه تهران را طی کرد و در خردادماه ۱۳۲۴ به اخذ درجه لیسانس نائل گردید. در سال ۱۳۲۸ فرماندهی مامورین انتظامات جهت تشکیل مجلس مؤسسان در کاخ دادگستری به قره‌باغی واگذار گردید.^۶

در سال ۱۳۲۹ که حسین فردوست از سوی شاه ماموریت یافت گارد جاویدان را برای محافظت از کاخ‌های سلطنتی تشکیل دهد، قره‌باغی به معاونت وی برگزیده شد. قره‌باغی تلاش زیادی برای تشکیل و سپس انتخاب افراد گارد جاویدان انجام داد. بدین ترتیب مدتی نیز فرماندهی گارد جاویدان به وی واگذار گردید.^۷

مدتی بعد قره‌باغی برای طی دوره عالی رسته پیاده، عازم کشور فرانسه گردید و همزمان در دانشگاه پاریس دوره دکترای حقوق را در سال ۱۳۳۳ به پایان رسانید. او پس از مراجعت به ایران در دایره عملیات رکن سوم ستاد ارتش به خدمت مشغول شد.^۸ قره‌باغی در ۱۳۳۴ مجدداً عازم فرانسه گردید تا در دانشگاه جنگ فرانسه دوره عالی را طی کند. از این رو در

سال ۱۳۳۵ دوره نهم ستاد دانشگاه جنگ، ۱۳۳۹ دوره عالی نیروهای مشترک و در ۱۳۴۰ دیپلم عالی دانشگاه جنگ فرانسه را به پایان رسانید.^۹

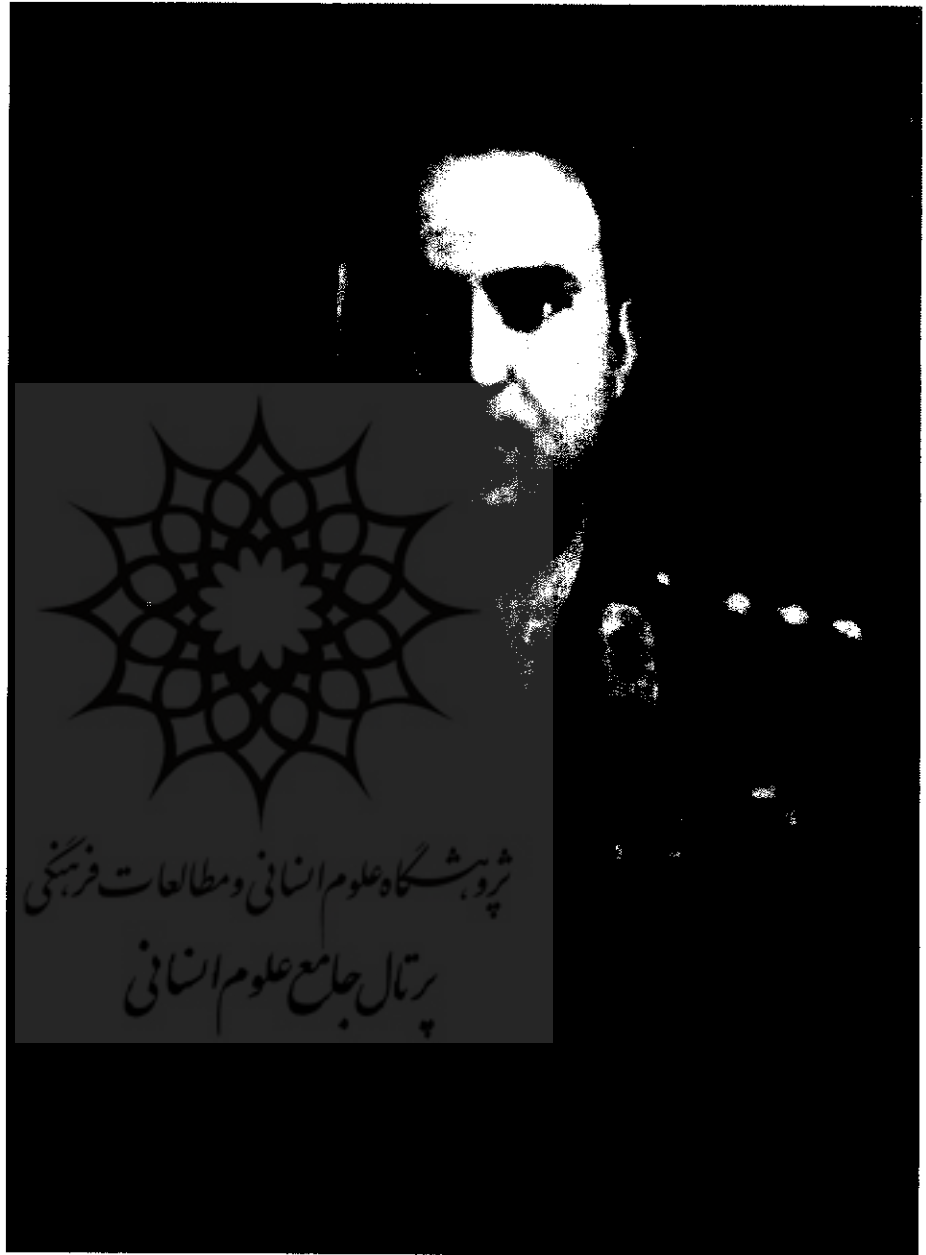
وی در اول مهرماه ۱۳۴۰ به درجه سرتیپی ارتقاء یافت و در دوازدهم اسفندماه ۱۳۴۱ به سمت فرماندهی دانشگاه نظامی منصوب شد.^{۱۰} وی همزمان اداره دانشکده نظامی رسته‌های مختلف ارتش را نیز بر عهده داشت.^{۱۱} او با حفظ سمت، در سال ۱۳۴۲ فرماندهی درجه‌داران دوره سپاه‌دانش، فرماندهی خط سیر مسافرت پادشاه دانمارک به ایران و فرماندهی خط سیر مسافرت رئیس‌جمهور هند به ایران را برعهده داشت.^{۱۲}

قره‌باغی در سال ۱۳۴۲ به ریاست دادگاه تجدیدنظر ویژه دادرسی ارتش منصوب گردید. دادگاه مزبور که جهت تجدیدنظر در پرونده آیت‌الله طالقانی، مهندس بازرگان، دکتر سبحانی و عده‌ای از افراد منسوب به نهضت آزادی تشکیل شده بود،^{۱۳} سرانجام پس از پانزده جلسه رسیدگی به پرونده مزبور، رای دادگاه بدوی را تایید کرد و محاکمه‌شوندگان به حبسهای طولانی محکوم گردیدند.^{۱۴}

قره‌باغی در مرداد ۱۳۴۳ به فرماندهی لشکر پیاده گرگان و در شهریورماه ۱۳۴۶ به فرماندهی لشکر یک گارد منصوب گردید و در مهرماه ۱۳۴۷ به ریاست ستاد نیروی زمینی منصوب شد.^{۱۵} او در بیستم اسفندماه همان سال به درجه سپهبدی ارتقا یافت.^{۱۶} قره‌باغی از مهرماه ۱۳۴۷ تا اردیبهشت ۱۳۵۱ ریاست ستاد نیروی زمینی و از اردیبهشت ۱۳۵۱ تا مرداد ۱۳۵۲ جانشینی فرمانده نیروی زمینی را عهده‌دار گردید. اما به دلیل اختلافی که با اوپسی، فرمانده نیروی زمینی، پیدا کرد، با تلاش اوپسی از سمت خود عزل و به فرماندهی سپاه غرب در کرمانشاه منصوب شد. مدتی بعد، با تحریکات اوپسی، وی از سمت خود برکنار شد و منتظر خدمت گردید. اما با دخالت فردوست توانست از این مهلکه رهایی یابد.^{۱۷}

قره‌باغی در دوازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۳ به سمت فرماندهی ژاندارمری کشور منصوب شد.^{۱۸} وی با توجه به دیدارهای متعددی که با شاه انجام می‌داد، بیش‌ازپیش به وی نزدیک شد.^{۱۹} در جریان برگزاری بازیهای آسیایی ۱۳۵۳ تهران، قره‌باغی نقش عمده‌ای در تامین امنیت بازیها ایفا کرد و با استخدام تعدادی از افراد آموزش‌دیده نیروی

بدین ترتیب عده زیادی - از جمله امیرعباس هویدا (نخست‌وزیر)، وزراء و... - به عضویت افتخاری این نیرو درآمدند.^{۲۰} از جمله دیگر اقدامات وی در این مدت، تشکیل دوره‌های آموزش مقدماتی و عالی رسته پیاده ژاندارمری و فرماندهی ستاد بود که به فرمان شاه در مهرماه ۱۳۵۴ آغاز گردید. اقدامات مزبور موجب جلب نظر شاه گردید تا وی را به نشانهای درجه یک عدالت



در بیست و یکم مهرماه ۱۳۵۵ و درجه اول همایون در چهارم آبان ماه ۱۳۵۵ مفتخر سازد.^{۲۴}

اقدامات قره‌باغی در جریان انقلاب

با شدت گرفتن مبارزات مردم در سال ۱۳۵۶ علیه رژیم پهلوی، قره‌باغی در سمت فرماندهی ژاندارمری جهت سرکوب و کنترل اغتشاشات دست به اقداماتی زد. وی نخست با تهیه و اجرای طرح تامین شهرهایی

پایداری، آنان را به حفاظت از نقاط حساس واداشت.^{۲۰} فعالیتهای وی در این مدت موجب گردید وی پس از خاتمه بازیها مورد توجه خاص شاه قرار گیرد^{۲۱} و در اول شهریورماه ۱۳۵۴ به درجه ارتشبدی ارتقا یابد.^{۲۲}

قره‌باغی در مدت تصدی فرماندهی ژاندارمری (از سیزدهم اردیبهشت ۱۳۵۳ تا چهاردهم شهریور ۱۳۵۷) تلاش زیادی برای استخدام و آموزش افراد برای تشکیل نیروی پایداری مقاومت انجام داد.

که در آن اعتراضات علیه رژیم بارزتر بود، به سرکوب مخالفین پرداخت و دستورالعملهای متعددی بدین منظور به یگانهای مختلف ابلاغ کرد.^{۲۵} او همچنین با فعال ساختن نیروی پایداری مقاومت، آنان را به یاری یگانهای ژاندارمری اعزام داشت.^{۲۶}

به‌دنبال این دستورات، فرماندهان نواحی مختلف ژاندارمری کشور برای اقدام به عمل دست به کار شدند و با فراخواندن و آموزش نیروهای پایداری، عملیات سرکوب و دستگیری مخالفان شدت گرفت.^{۲۷}

یکی از طرحهای مقابله با انقلابیون، اعزام یگانهای ژاندارمری به منظور حمایت از شهربانیها بود. نیروهای شهربانی که توان مقابله با نیروهای مخالفان را نداشتند، از ژاندارمری درخواست نیروی پشتیبانی کرده بودند. لذا طی فرمانی، شاه از قره‌باغی خواست تا یگانهای پشتیبانی را در اختیار شهربانیها قرار دهد. از این رو از تاریخ بیست و پنجم فروردین تا بیست و سوم اردیبهشت سال ۱۳۵۷، از نواحی ژاندارمری، پنج گروهان، بیست و چهار دسته ضربت و هفت نفربر زرهی به شهربانیهای اصفهان، یزد، بافق، اردکان، تبریز، کاشان، خمین، قم، کرج، اهواز، بهبهان، شیراز، کازرون، فسا، داراب، جهرم، لار، فیروزآباد، شاه‌آباد غرب، کرمان، مشهد، بابل، بایلسر و خرم‌آباد اعزام شدند.^{۲۸}

قره‌باغی در بیست و هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ طی دستورالعملی به فرماندهی نواحی پانزده گانه و هنگ مستقل بوشهر، نحوه برخورد با دستگیرشدگان به اتهام جرایم ضدامنیتی و خرابکاری را ابلاغ داشت. در این دستورالعمل تخریب و ایجاد آتش‌سوزی امکان، موسسات دولتی و منازل مقامات، فعالیتهای کمونیستی، اقدامات تروریستی، شعارهای ضد مقام سلطنت، ایجاد تزلزل در روحیه پرسنل نیروهای مسلح، فعالیتهای تجزیه‌طلبانه، فعالیتهای روحانیون مخالف رژیم، از جمله موارد فعالیتهای ضدامنیتی و خرابکاری محسوب می‌شدند.^{۲۹}

قره‌باغی برای شدت بخشیدن به عملیات مقابله با مخالفان، دستور داد کمیسیونی برای بررسی لوازم و ابزار کنترل اغتشاشات تشکیل شود. این کمیسیون که در بیست و یکم اردیبهشت سال ۱۳۵۷ تشکیل گردید،

مقرر کرد برای مقابله با مخالفان و کنترل اغتشاشات، تعداد زیادی جلیقه ضدگلوله، کلاه خود محافظ، نارنجک اشک‌آور، دستگاههای پخش گاز اشک‌آور، تفنگ شکاری، باتوم، سپر و محافظ ضدگاز تهیه گردد.^{۳۰} همچنین در ادامه پشتیبانی یگانهای ژاندارمری از شهربانیها، به منظور پیشگیری از اغتشاش احتمالی در شهر نهاوند دسته سازمانی ضربت همدان به این شهر اعزام شد و نیز دو دسته از پرسنل ژاندارمری هنگ شیراز برای کنترل دانشجویان دانشگاه شیراز در اختیار شهربانی شیراز قرار گرفتند. یگانهای دیگری نیز، مجهز به نفربرهای زرهی، به شهربانیهای مشهد، خمین و تایباد فرستاده شدند.^{۳۱}

با فرارسیدن پانزدهم خرداد سال ۱۳۵۷، رژیم شاه برای مقابله با اقدامات انقلابیون در سالگرد پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ اقداماتی برای ممانعت از تظاهرات و سایر

فعالیت‌های آنان به عمل آوردند. از این رو قره‌باغی به منظور مقابله با هرگونه رویداد در حوزه استحفاظی ژاندارمری و پشتیبانی شهربانی، فرمان آماده‌باش به فرماندهان نواحی اعلام کرد. همچنین با ارسال یک بیحشنامه سری تحت عنوان «دستورالعمل پانزدهم خرداد ۱۳۵۳» به تمامی نیروهای تحت امر فرماندهی ژاندارمری کشور دستور داد تا آن را به اجرا درآورند. در این دستورالعمل ذکر شده بود عده‌ای از دانشجویان و طلاب قصد دارند به تدریج از شهرستانهای مختلف به قم حرکت کرده و پس از تظاهرات در قم، به سوی تهران حرکت کنند و در تهران و برخی از شهرستانها دست به اغتشاشات بزنند. لذا به ژاندارمری مأموریت داده شد در حوزه استحفاظی خود پیش‌بینی‌های لازم را انجام دهد و در روز پانزدهم خرداد از هرگونه تظاهرات جلوگیری نماید. آنها دستور داشتند در صورت مشاهده هرگونه اغتشاش، آن را در نطفه خفه کنند و پشتیبانی‌های لازم از شهربانی به عمل آید؛ همچنین برای جلوگیری از توسعه دامنه اغتشاش، یگانها را به حالت آماده‌باش درآوردند تا در صورت لزوم در اختیار شهربانی‌ها قرار گیرند.^{۲۲} علاوه بر این، دستور داده شده بود در مقابله با اغتشاشات، در صورت نیاز از نفربرهای زرهی استفاده شود و نیز از پرسنل نیروی پایداری برای نفوذ در اجتماعات مساجد و غیره حداکثر استفاده را به عمل آورند. همچنین مقرر گردید پرسنل ژاندارمری به تفنگ ژ - ۳ یا ام - یک، تبربار یوزی و اسلحه کمری مسلح شوند. لذا با ارسال یک حلقه فیلم آموزشی کنترل اغتشاشات از سوی قره‌باغی به کلیه فرماندهان نواحی ژاندارمری، از آنان خواسته شد این فیلم تا قبل از پانزدهم خرداد برای کنبه پرسنل یگانهای شرکت‌کننده در مأموریت نمایش داده شود.

وی طی دستورالعمل دیگری ابلاغ داشت در صورتی که اخلاک‌نگران قصد خلع سلاح افراد یا حمله با نارنجک و سایر جنگ‌افزارها را داشته باشند، پرسنل حق دارند به‌سوی آنان تیراندازی کنند. البته تیراندازی به سوی هدف معین باید انجام می‌شد و تیراندازی هوایی به کلی ممنوع بود.

همچنین به دستور قره‌باغی دوازده دستگاه نفربر از لشکر گارد در اختیار کنترل عملیاتی ناحیه قرار داده شد تا به سرعت به اتفاق یک گروهان کنترل اغتشاشات به قم اعزام شود و در روزهای سیزدهم و چهاردهم خرداد با ستونهای موتورسیکلتی به صورت منظم در خیابانهای قم با چراغهای روشن مانور دهند.^{۲۳}

اما با وجود این همه تمهیدات دولت، انقلابیون دست از مبارزه برنداشتند. از این رو دولت ضمن مجهز کردن هرچه بیشتر افراد به تجهیزات ضدشورش، در هیجده محل دیگر نیز یگانهای ضربت و نفربرهای زرهی در اختیار شهربانیها قرار داد.^{۲۴}

با فرارسیدن ماه مبارک رمضان و پیش‌بینی رژیم شاه مبنی بر افزایش فعالیت‌های انقلابیون، برای مقابله با نیروهای انقلابی و کنترل اوضاع، به دستور ارتشبد قره‌باغی افراد یگانهای آموزشی با شش دستگاه نفربر

زرهی در ده محل طبق تقاضای شهربانیهای مشهد، قم، خمین، کاشان، رفسنجان، بهبهان، کازرون، شیراز، استهبان و جهرم، آنها را پشتیبانی کردند.^{۲۵} همچنین بنا به دستور وی، در شانزدهم مرداد سال ۱۳۵۷ برای مقابله و خنثی‌نمودن فعالیت‌های روحانیون در ایام ماه مبارک رمضان، نواحی ژاندارمری مأمور شدند ضمن جمع‌آوری اطلاعات و جلوگیری از هرگونه غافلگیری، به شهربانیهای نیروهای کنترل اغتشاشات اعزام کنند.

علیرغم حمایت همه‌جانبه یگانهای ژاندارمری از شهربانیها، آنان قادر به کنترل شهرهای مزبور نبودند؛ از این رو بنا به درخواست ارتشبد قره‌باغی، نیروهای پشتیبانی از طریق نیروی زمینی در اختیار شهربانیهای اصفهان، قم، اراک و چند شهر دیگر که دایره اغتشاش در آنها بیشتر بود، گذاشته شد.^{۲۶}

عملیات طرح فرهاد

یکی از طرحهای عملیاتی که در زمان تصدی ارتشبد قره‌باغی در ژاندارمری کشور صورت گرفت، طرح فرهاد یا طرح سرکوب دانشجویان در کوهستانهای شمال تهران بود. این طرح به منظور مقابله با دانشجویانی تدوین گردید که در روزهای تعطیل به ارتفاعات شمال تهران می‌رفتند و در این مکانها به خواندن سرودهای انقلابی و تمرین ورزشهای رزمی می‌پرداختند. نیروهای ژاندارمری به فرمان شاه مأمور به شناسایی و سرکوب این افراد شدند و از این رو از اردیبهشت تا آذر ۱۳۵۷ عملیات طرح فرهاد به‌وسیله نیروهای ژاندارمری، افراد ورزیده تیپ نیروهای هوای و افراد منتخب و ورزیدگان تکاور گارد تحت نظر ژاندارمری، به همراه دو فروند هلیکوپتر شنوک، جهت شناسایی و دستگیری دانشجویان انجام شد.^{۲۷}

در بیست و چهارم خردادماه شاه طی فرمانی به ارتشبد قره‌باغی دستور داد جهت جستجو و شناسایی محل‌های احتمالی انبار اسلحه و مهمات در ارتفاعات، اقدام نماید. از این رو از تاریخ بیست و ششم خرداد تا سوم تیر سال ۱۳۵۷ مأموران ژاندارمری با همکاری گارد شاهنشاهی و نیروی مخصوص و نیز افراد سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک)، در سه منطقه به اجرای عملیات پرداختند اما علیرغم برخورد به گروههای مختلف جوانان، هیچ‌گونه عملیات مشکوک از سوی آنان مشاهده نگردید و فقط گروههایی که به سرودخوانی و فرستادن صلوات مبادرت می‌کردند، به محض مشاهده هلیکوپتر پراکنده می‌شدند.^{۲۸}

پس از ارائه گزارش مزبور، شاه به قره‌باغی دستور داد: «این مراقبتها به‌طور نامنظم انجام شود». از این رو از این پس عملیات مزبور به‌طور نامنظم در روزهای غیرتعطیل و گاه تعطیل انجام می‌گرفت.^{۲۹}

در یکی از عملیاتهای گشت‌زنی، در جمعه دهم شهریورماه ۱۳۵۷ در مسیر درکه به ارتفاعات پلنگ‌چال، مأموران در بین راه به تعدادی اعلامیه برخورد کردند که یکی از آنها با عنوان کمیته یزد و دیگری با عنوان امام خمینی نوشته شده بودند.

مأموران اطلاعیه‌های مزبور را ضبط کردند و نیز در پلنگ‌چال در مسیر راه تعدادی شعارهای ضد رژیم بر روی سنگها نوشته شده بود که به‌وسیله این مأموران محو گردید. در هنگام مراجعت از ارتفاعات، در محدوده هفت حوض چند نفر شعار «درود بر خمینی» را با صدای بلند سر می‌دادند که توسط مأموران دستگیر و به پاسگاه مرکزی اوین تحویل گردیدند.^{۳۰}

شورای عالی نظامی

با افزایش ناآرامی در شهرهای مختلف کشور، تظاهرات مردم اغلب به شکل خونینی خاتمه می‌یافت. در اصفهان که اعتراضات گسترش یافته بود، رژیم برای کنترل آن به حکومت نظامی متوسل شد. رژیم شاه که در مهار جنبش انقلابی ناتوان بود، به‌دنبال راه چاره‌ای برای فایق‌آمدن بر این بحران می‌گشت. لذا بنا به دستور شاه، کارگزاران رژیم و فرماندهان عالی‌رتبه امنیتی و نظامی کشور جلساتی را در تاریخ بیست و چهارم و سی‌ام مردادماه ۱۳۵۷ تشکیل دادند. در این جلسات که ارتشبد قره‌باغی به‌عنوان فرمانده ژاندارمری حضور داشت، تصمیم گرفته شد یک کمیته عملیات روانی و تبلیغات به منظور تجزیه و تحلیل و تشریح اهداف مخالفان برای مردم تشکیل شود، تا بدین شیوه از طریق رسانه‌های گروهی علیه مخالفان اقدام شود. برای عملیاتی کردن این تصمیم، ارتشبد قره‌باغی موظف شد یکصد نفر از مأموران ژاندارمری را در اختیار کمیته مزبور قرار دهد.^{۳۱}

قره‌باغی در کابینه شریف‌امامی

در اوایل شهریورماه ۱۳۵۷، کابینه شریف‌امامی با شعار آشتی ملی جانشین جمشید آموزگار شد. در این کابینه، قره‌باغی به سمت وزارت کشور منصوب شد. با توجه به سیاست جدید دولت مبنی بر کنار گذاشتن عناصر فاسد از مسئولیتها، رژیم قصد داشت هرچه سریعتر تمام استانداران را عزل و افراد جدیدی به این سمتها منصوب کند. از این رو قره‌باغی در اولین اقدام، در وزارت کشور سیدحسین سراج حجازی را به‌عنوان استاندار خراسان و نایب‌التولیه آستان قدس رضوی و نیز سپهبد احمدعلی محقق را به‌عنوان فرمانده ژاندارمری به شاه معرفی کرد.^{۳۲}

قره‌باغی در تاریخ هشتم شهریور سال ۱۳۵۷ در نخستین گفت‌وگوی مطبوعاتی‌اش با رسانه‌های گروهی، خطوط اصلی برنامه کاری خود را در وزارت کشور ترسیم کرد و ایجاد نظم را اولین مرحله از برنامه دولت جدید خواند.^{۳۳} با اینکه مهمترین وظیفه وزارت کشور - که سازمانهایی چون ژاندارمری و شهربانی را تحت امر خود داشت - برقراری امنیت و آسایش عمومی در سطح کشور بود، اما با اعلان حکومت نظامی، از همان روزهای نخست تشکیل دولت شریف‌امامی، این مسئولیت به وزارت جنگ و فرمانداران نظامی محول گردید.^{۳۴}

یکی از وقایع مهم این دوران، واقعه هفدهم شهریور بود. علیرغم اینکه برگزاری هرگونه اجتماعات از سوی

دولت شریف‌امامی ممنوع شده بود. در شانزدهم شهریور بزرگترین صحنه اجتماع انقلابی مردم در میدان شهید (آزادی) به نمایش درآمد. شعارهایی که در این روز سر داده می‌شد، مستقیماً شاه را هدف حملات خود قرار داده بودند. از این رو به دستور شاه جلسه اضطراری شورای امنیت ملی تشکیل شد تا راهکار اساسی برای مقابله با انقلابیون اتخاذ شود. این جلسه که به ریاست شریف‌امامی و با حضور اعضای کمیسیون امنیت ملی - از جمله ارتشبد قره‌باغی - تشکیل شد از ساعت پنج بعدازظهر شانزدهم شهریورماه ۱۳۵۷ تا پاسی از شب ادامه یافت و سرانجام مقرر گردید از صبح هفدهم شهریور، در تهران و یازده شهر دیگر حکومت نظامی اعلام شود.^{۴۵}

بلافاصله پس از اتمام جلسه شورای امنیت ملی، در تهران و یازده شهر دیگر - از جمله در شهرهای قم، تبریز، اصفهان، مشهد، شیراز، جهرم، کازرون، قزوین، کرج، اهواز و آبادان - مقررات حکومت نظامی به اجرا گذاشته شد و ارتشبد غلامعلی اویسی به فرمانداری نظامی تهران منصوب گردید. صبح روز جمعه هفدهم شهریور، هزاران تن از مردم تهران جهت یک راهپیمایی بزرگ به خیابانها ریختند. بیشترین تجمع در میدان ژاله (شهدای فعلی) بود که حدود بیست هزار نفر در این میدان تجمع کرده بودند. از آنجا که نظامیان و کماندوها با وسایل مدرن ضدشورش نتوانستند جمعیت را متفرق سازند، به دستور مقامات بالا راهپیمایان به رگبار گلوله بسته شده و عده زیادی به شهادت رسیدند. آمار دقیق جان‌باختگان این فاجعه به درستی مشخص نیست. رژیم شاه آمار کشته‌شدگان را هشتادوهفت و تعداد مجروحان را دویست و پنج نفر اعلام کرد اما هواداران انقلاب، کشته‌شدگان را بسیار بیشتر از این تعداد می‌دانستند. از این رو، این روز به جمعه سیاه و میدان مزبور به میدان شهدا شهرت یافت.^{۴۶} ارتشبد قره‌باغی عامل کشتار هفدهم شهریور را ارتشبد اویسی فرماندار نظامی وقت می‌داند.^{۴۷} با این وجود، پس از این واقعه، علیرغم اینکه برخی از مقامات خواهان لغو حکومت نظامی بودند اما قره‌باغی و برخی دیگر صراحتاً مخالفت کردند و اظهار داشتند «حکومت نظامی دستور صریح شاه است و ما با آن موافق هستیم». سرانجام صورت جلسه امضا شد و شاه نیز بنا به رای اکثریت اعضای شورای امنیت ملی، با ادامه حکومت نظامی موافقت کرد.^{۴۸}

پس از تشدید اعتصابات و تظاهرات در شهرستانها، ارتشبد قره‌باغی به‌عنوان وزیر کشور به استانداران دستور داد سریعاً «شورای تأمین استان» را تشکیل دهند.^{۴۹} وی تأکید کرد در شهرهایی که حکومت نظامی اعلان نشده، در صورت بروز تظاهرات، اصول و مقررات کنترل اغتشاشات مطابق آیین‌نامه به اجرا گذاشته شود و برای جلوگیری از خرابکاری تظاهرکنندگان، از آب‌پاش و گازاشک‌آور استفاده گردد. وی ضمن دستور به منع تیراندازی، یادآوری کرد در حالت اضطراری «پای خرابکاران» را مورد هدف قرار دهند.^{۵۰}

گویا در این زمان ارتشبد قره‌باغی قصد داشت با مسلح کردن برخی عشاير که نسبت به شاه علاقمند بودند، به مقابله با انقلابیون بپردازد. اما این امر به دلیل مخالفت برخی مقامات نظامی منتفی گردید.^{۵۱}

قره‌باغی در دولت نظامی از هزاری

پس از واقعه دوازدهم آبان ۱۳۵۷ و کشتار دانش‌آموزان و دانشجویان در مقابل دانشگاه تهران، کابینه شریف‌امامی سقوط کرد و ارتشبد از هزاری مأمور تشکیل کابینه شد. از هزاری که اغلب اعضای کابینه خود را از بین فرماندهان ارشد نظامی برگزید، قره‌باغی را نیز به سمت وزیر کشور و مدتی نیز به‌عنوان سرپرست وزارت اقتصاد و دارایی معرفی کرد.^{۵۲} قره‌باغی نیز اغلب استانداران را از میان فرماندهان نظامی برگزید.^{۵۳}

با توجه به فرارسیدن ماه محرم، دولت از هزاری با این مساله روبرو بود که آیا به دسته‌های مذهبی اجازه راهپیمایی‌های تاسوعا و عاشورا داده شود یا خیر؟ این مساله در جلسه شورای امنیت ملی مطرح گردید و در این جلسه، قره‌باغی با توجه این که دولت نظامی قصد دارد از شکل‌گیری زمینه تظاهرات - با هدف برقراری آرامش - جلوگیری کند، با صدور مجوز برای برگزاری راهپیمایی‌های تاسوعا و عاشورا مخالف بود.^{۵۴} اما سرانجام علیرغم مخالفت او و عده‌ای دیگر، مجوز راهپیمایی صادر شد.

ریاست ستاد بزرگ ارتشتاران

پس از سقوط کابینه از هزاری، همزمان با روی کار آمدن کابینه بختیار، ارتشبد قره‌باغی از سوی شاه به سمت ریاست ستاد بزرگ ارتشتاران برگزیده شد. قره‌باغی در جلسه معارفه شانزدهم دی ۱۳۵۷ که در ستاد بزرگ ارتشتاران تشکیل شد، خط‌مشی‌های کلی خود در جهت توسعه و بهبود وظایف و مأموریت‌های محوله به ستاد بزرگ ارتشتاران، ادارات و سازمان‌های تابعه آن را تعیین کرد. وی به پرسنل تحت امر خود تأکید نمود در تمامی شرایط روحیه و انضباط خودشان را حفظ کنند.^{۵۵}

قره‌باغی پس از بررسی و مشورت با فرماندهان نیروهای مسلح، شورایی را به نام کمیته بحران به منظور ایجاد هماهنگی بین نیروها تشکیل داد که کلیه مسائل مربوط به ارتش، اغتشاشات، اعتصابات و معضلات اجتماعی و عمومی کشور در آن مطرح می‌شد. در این کمیته که فرماندهان ارشد نظامی حضور داشتند، به ریاست ارتشبد قره‌باغی در هفته‌سه جلسه تشکیل می‌شد و در صورت نیاز و یا در مواقع اضطراری، جلسات ویژه نیز تشکیل می‌گردید.^{۵۶}

از دیگر اقدامات قره‌باغی پس از شروع به کار در ستاد، دادن اجازه به فرماندهان نیروهای سه‌گانه برای شرکت در شورای امنیت ملی بود؛ زیرا در دولت‌های پیشین آنان در این شورا حضور نداشتند. هدف از این اقدام، در جریان قرارگرفتن فرماندهان مزبور از مسائل کشور بود.^{۵۷} در این شورا که به ریاست بختیار و هر روز

تشکیل می‌شد، مسائل مهم اطلاعاتی، امنیتی و انتظامی مورد بحث قرار می‌گرفت. در آن ایام، بخش قابل توجهی از مباحث در واقع صرف طرح نقشه برای جلوگیری از ورود امام خمینی می‌شد.^{۵۸} قره‌باغی برای مقابله با انقلابیون در بیست و ششم دی‌ماه ۱۳۵۷ طی فرمانی به نیروی زمینی دستور داد وضعیت آمادگی رزم برای برقراری امنیت داخلی به اجرا گذاشته شود و به لشکرهای مستقر در مناطق حساس نیز دستور اجرای وضعیت بحرانی (فرمز) صادر کرد.^{۵۹}

وی همچنین دستور داد برای هماهنگی‌های لازم و هدایت عملیات، یک پست فرماندهی متشکل از عوامل ژاندارمری، شهربانی و ساواک منطقه، مستقر و مشغول به کار شود. او افزود هرگونه اغتشاش، تظاهرات را سرکوب نماید و در صورت نیاز از دانشجویان دوره‌های مختلف ستاد استفاده شود.^{۶۰}

یکی از مسائل مهم دوران خدمت قره‌باغی در این زمان، جریان مأموریت ژنرال روبرت ا. داج هابیزر، رابطه قره‌باغی با او بود. هابیزر معاون فرماندهی نیروهای آمریکایی مستقر در اروپا بود که در اوایل ژانویه ۱۹۷۹/اواسط دی‌ماه ۱۳۵۷ به‌صورت مخفیانه به ایران آمد. وی مأموریت داشت ضمن مطمئن ساختن سران ارتش به حمایت آمریکا، با آماده کردن آنان برای اقدام به‌موقع به کودتا، از هرگونه اقدام نظامی زودرس که موجبات گسیختگی ارتش شود، جلوگیری نماید. اما گفته می‌شود هدف اصلی مأموریت هابیزر این بود که،

بررسی اوضاع ایران، در صورت تشخیص نامساعدبودن اوضاع، پایگاه‌های جاسوسی واقع در مرز شوروی و نیو دستگاه‌های حساس و سایر سلاح‌های پیشرفته را برچیند و سپس قراردادهای خرید اسلحه از آمریکا را امضای دولت بختیار فسخ نماید.^{۶۱}

هابیزر پس از ورود به ایران، با ارتشبد قره‌باغی و سایر سران نظامی ملاقات و گفت‌وگو کرد. پس از دیدار اولیه به‌طور مرتب و روزانه با حضور قره‌باغی و سران دیگر نظامی در دفتر ریاست ستاد ارتش جلساتی تشکیل می‌داد. غالب مباحث در ارتباط با اوضاع احوال کشور و چگونگی حل بحران و نحوه عملکرد ارتش بود.^{۶۲}

در مدت اقامت هابیزر در تهران، قره‌باغی با وی روابط نزدیکی برقرار کرد؛ به‌طوری‌که هابیزر و سولیواری (سفیر وقت آمریکا در تهران) در عضویت قره‌باغی در شورای سلطنت نقش مهمی را ایفا کردند.^{۶۳} علاوه‌براین هنگامی که شاه قصد ترک کشور را داشت هابیزر تلاش کرد قره‌باغی را به‌عنوان یک رهبر نظامی به سایرین بقبولاند.^{۶۴}

هابیزر هر روز در دفتر ستاد بزرگ ارتشتاران حضور می‌یافت و طرح‌ها و نقشه‌های وی به بحث گذاشته می‌شد و سپس به اجرا درمی‌آمد، تا اینکه دو روز پس از ورود امام خمینی به ایران، وی نیز تهران را ترک کرد.

عضویت شورای سلطنت

قره‌باغی پس از به‌دست آوردن سند ریاست ستاد

کمیته بحران مطرح شد و قره‌باغی و سایر فرماندهان نظامی موکداً از دولت بختیار حمایت کردند.^{۷۲}

اعلام بی‌طرفی ارتش

قره‌باغی پس از ورود امام خمینی، بارها حمایت خود از دولت بختیار را اعلام نمود و طی بیانیه‌های مختلف خطاب به فرماندهان، دستورات لازم برای سرکوب انقلابیون را صادر می‌کرد.^{۷۴} وی حتی در بیست و یکم بهمن ۱۳۵۷ در آخرین اطلاعیه‌اش در سمت ریاست ستاد ارتش، عنوان داشت: «تاسیسات دولتی، کلاترپها، پاسگاهها و تاسیسات نظامی باید به‌طور قاطع در مقابل تک خرابکاران، پدافند و حفاظت شده و متجاوزان شدیداً سرکوب گردند. ضمناً مقررات فرمانداری نظامی را به‌طور کامل در منطقه استحقاقی آن فرمانداری به‌موقع اجرا گذارند.»^{۷۵}

اما پس از اعلام همبستگی همافران نیروی هوایی با امام خمینی و تسلیم اغلب شهرها و عدم کارایی حکومت نظامی، سران ارتش از ادامه مقاومت مایوس شدند. از این رو شورای عالی نیروهای مسلح در صبح روز بیست و دوم بهمن ۱۳۵۷ در اتاق شورای ستاد بزرگ ارتش تان تشکیل شد.^{۷۶} در این جلسه پس از ارائه گزارش فرماندهان از وضعیت نیروهای خود و اظهار نظر چند تن دیگر، در نهایت مساله بی‌طرفی ارتش به اتفاق آرا تصویب گردید. از این رو در بیانیه‌ای که برای نخستین بار کلمه شاهنشاهی از ارتش حذف شده بود، خاطر نشان گردید که ارتش از خواست ملت ایران با تمام قدرت پشتیبانی می‌کند. متن اعلامیه ساعت دو بعد از ظهر از رادیو ایران پخش شد و طی آن از کلیه یگانهای نظامی خواسته شده بود به یادگانهای خود بازگردند.^{۷۷}

قره‌باغی در خاطرات خود اعلام بی‌طرفی ارتش را یک نتیجه‌گیری منطقی و مناسبترین راه‌حل برای اجرای دستورات شاه و حفظ تمامیت وحدت ارتش و جلوگیری از جنگهای داخلی می‌داند.^{۷۸} لیکن وی از سوی بختیار و شاه متهم به خیانت در فروپاشی ارتش گردید.^{۷۹} هاینر نیز او را متهم به خیانت علیه همکارانش می‌کند و می‌نویسد وی به دادگاههایی که همکارانش را محاکمه و محکوم می‌کردند، کمک می‌کرده است.^{۸۰}

دوران اختفا در ایران

قره‌باغی در روز بیست و سوم بهمن ۱۳۵۷ هنگام اطلاع از تحت تعقیب قرار گرفتن وی از سوی کمیته انقلاب اسلامی، در منزل یکی از دوستان خود به نام مستعار اردشیر مخفی گردید. وی در مدت چهارده ماه اختفا در تهران، به‌طور مرتب محل اقامت خود را عوض می‌کرد. در این مدت جز همسر وی در پاریس، افراد بسیار معدودی از محل اسکان او اطلاع داشتند.^{۸۱}

سرانجام قره‌باغی با همکاری چند تن از دوستانش توانست شناسنامه‌ای به نام «احمد کوباهی، صادره در سال ۱۳۲۰ و متولد تبریز» جعل کرده رواید سفر به خارج از کشور دریافت کند و سپس با تغییر قیافه از

بزرگ ارتش تان، در بیست و سوم دی‌ماه ۱۳۵۷ به عضویت شورای سلطنت برگزیده شد. او از تاریخ انتصاب به ریاست ستاد تا روز خروج شاه از ایران (چهاردهم تا بیست و ششم دی‌ماه ۱۳۵۷) تقریباً هر روز یا حتی بعضی از روزها دوبار برای ملاقات با شاه به کج نیواوران می‌رفت. قره‌باغی در هر فرصت، تلاش می‌کرد شاه را از تصمیم به خروج از ایران منصرف سازد.^{۶۵}

در هنگام خروج شاه از ایران، بنابه اصرار قره‌باغی، پهایمی از سوی شاه به پرسنل نیروهای مسلح صادر شد که در آن ضمن بیان علت مسافرت، از پرسنل نیروهای مسلح خواسته شده بود در مدت مسافرت وی، ضمن رعایت انضباط، از فرماندهان خود اطاعت کامل نمایند. این فرمان در آخرین لحظات خروج شاه در بیست و ششم دی‌ماه ۱۳۵۷ در فرودگاه مهرآباد به انضای شاه رسید.^{۶۶}

در هنگام بدرقه شاه و فرح در فرودگاه مهرآباد، قره‌باغی و شاهپور بختیار - نخست وزیر - وارد هواپیما شدند. شاه در پاسخ قره‌باغی در مورد وضعیت ارتش در آینده گفت: «ارتش و نیروهای انتظامی در اختیار شماست. هرطور منطقی شما حکم می‌کنید عمل کنید، ولو اشتباه باشد. عدم رضایتی در من ایجاد نخواهد شد. به شما حق می‌دهم، چون وضع مشکل است.»^{۶۷}

قره‌باغی و دولت بختیار

قره‌باغی پس از خروج شاه، در یک اقدام بی‌سابقه یک بیانیه سیاسی صادر نمود؛ در حالی که تا آن روز یک مقام نظامی بیانیه سیاسی صادر نمی‌کرد. وی در این بیانیه، پس از هماهنگی با بختیار،^{۶۸} طی مصاحبه‌ای، ضمن تکذیب شایعه کودتای ارتش علیه دولت بختیار، اعلام نمود برابر قوانین و آیین‌نامه‌های موجود ارتش، هرگونه تمرد و عمل خودسرانه به‌شدت سرکوب خواهد شد و نیز اعلام داشت که ارتش از دولت قانونی حمایت خواهد کرد.^{۶۹}

علاوه بر این، بنا به پیشنهاد بختیار در اعلام پشتیبانی از دولت، قره‌باغی در دوم بهمن ۱۳۵۷ طی مصاحبه‌ای اعلام کرد ارتش با تمام قدرت از دولت قانونی حمایت می‌کند و مجدداً تاکید کرد که هیچ‌گونه برنامه‌ای در ارتش برای کودتا وجود ندارد.^{۷۰} قره‌باغی به منظور شدت بخشیدن به سرکوب انقلابیون، در ششم بهمن ۱۳۵۷ با ارسال دستورالعملی، به کلیه فرمانداریهای نظامی دستور داد از هرگونه تظاهرات بدون کسب مجوز ممانعت کنند و به‌منظور اجرای صحیح قانون حکومت نظامی، کلیه مفاد قانون مزبور را از طریق رسانه‌ها یا آگهی‌های چاپی به اطلاع مردم برسانند.^{۷۱} وی در روز ششم بهمن ۱۳۵۷ از فرمانداریهای نظامی خواست تا با قاطعیت از هرگونه تجمع و حرکت دسته‌ها جلوگیری شود و هرگونه حمله انقلابیون به نقاط حساس شهر را به سرعت سرکوب نمایند.^{۷۲}

پس از ورود امام خمینی به ایران و اعلام ایشان مبنی بر تشکیل دولت جدید، این موضوع در جلسه

یکی از طرحهای عملیاتی که در زمان تصدی ارتشبد قره‌باغی و به ابتکار وی در ژاندارمری کشور صورت گرفت، «طرح فرهاد» یا طرح سرکوب دانشجویان در کوهستانهای شمال تهران بود. این طرح به منظور مقابله با دانشجویانی تدوین گردید که در روزهای تعطیل به ارتفاعات شمال تهران می‌رفتند و در این مکانها به خواندن سرودهای انقلابی و تمرین ورزشهای رزمی می‌پرداختند

قره‌باغی در سمت ریاست ستاد بزرگ ارتش تان تلاش زیادی برای تثبیت پایه‌های سلطنت از خود به خرج داد اما زمانی که مقاومت را بی‌فایده دید، به ناچار برای نجات خویش با اعلام بی‌طرفی ارتش، در شورای فرماندهان ارشد نظامی در بیست و دوم بهمن ۱۳۵۷ موافقت کرد. علیرغم اینکه وی از سوی سلطنت طلبان و شاهپور بختیار متهم به خیانت شد، اما بررسی اسناد موجود و اقدامات قره‌باغی برای سرکوب انقلابیون تا آخرین لحظات عمر رژیم پهلوی، خلاف این فرضیه را ثابت می‌کند

طریق فرودگاه مهرآباد عازم پاریس شد.^{۸۲} قره‌باغی پس از خروج از ایران، بعد از مدتی سکوت در دوازدهم خرداد ۱۳۵۹ طی بیانیه‌ای اعلام کرد که «در سقوط شاه و تغییر رژیم هیچ گونه نقشی نداشته است.»^{۸۳} باوجود اینکه اغلب مهره‌های رژیم پهلوی پس از خروج از ایران اقدام به فعالیت سیاسی علیه جمهوری اسلامی می‌کردند. قره‌باغی تا مدت‌ها ساکت بود و خود را از جریان‌های سیاسی دور نگه می‌داشت؛ تا اینکه در دوازدهم مهر ۱۳۶۱ طی ملاقاتی با رضا پهلوی در مراکش اعلام کرد که حاضر است «با هر گروه سیاسی، با هر ایدئولوژی که داشته باشند، ملاقات و گفت‌وگو نماید تا بر سر تعیین یک پلتفرم تازه سیاسی به توافق برسند.»^{۸۴}

او در سال ۱۳۶۳ با نگاهی مجموعه خاطرات خود در دوران انقلاب (مرداد - بهمن ۵۷) به دفاع از عملکرد خویش در این دوران پرداخت. کتاب مزبور تحت عنوان «اعترافات ژنرال» در ایران منتشر شد. از آن گذشته چند هفته قبل از فوت خود هنگامی که در بیمارستانی در پاریس به علت ابتلا به بیماری سرطان بستری بود، طی نوشته‌هایی که برای بخش خاطرات و تاریخ یکی از روزنامه‌های فارسی‌زبان چاپ لندن فرستاد، ماجرای اختفای چهارده‌ماهه خود در تهران و چگونگی فرارش را از کشور برای اولین بار بازگو کرد. کتاب مزبور در سال ۱۳۸۰ به نام ماجرای فرار قره‌باغی در ایران منتشر شد. قره‌باغی سرانجام در مهرماه ۱۳۷۹ در بیمارستانی در پاریس درگذشت.^{۸۵}

محاکمه غیابی قره‌باغی در دادگاه انقلاب

پس از خروج قره‌باغی از ایران و آغاز برخی از فعالیتها علیه جمهوری اسلامی در دادگاه انقلاب اسلامی کیفرخواستی علیه وی تنظیم گردید. وی به صورت غیابی به اتهامات وابستگی به دربار شاه و اقدام در جهت تثبیت پایه‌های رژیم، وابستگی و روابط با امریکا، مقابله با اسلام، امریت و مشارکت موثر در سرکوب و کشتار وسیع مردم از ابتدای اوج‌گیری انقلاب اسلامی و همدستی با مخالفان جمهوری اسلامی محاکمه گردید و در چهاردهم آذر ۱۳۶۱ شعبه دهم دادگاه انقلاب اسلامی ضمن مبرزدانستن مجرمیت وی کلیه اموال منقول و غیرمنقول وی و بستگان درجه اول او را مصادره اعلام کرد.

نتیجه

با توجه به نزدیکی قره‌باغی به شاه از دوران دانشکده افسری، وی توانست به تدریج به درجات بالای نظامی و مشاغل حساس دست پیدا کند و از این طریق ثروت فراوانی به دست آورد.

در جریان رویدادهای انقلاب اسلامی وی مجدانه به سرکوب انقلابیون پرداخت که این اقدامات را از طریق فعال ساختن نیروی پایداری و اعزام یگانهای پشتیبانی ژاندارمری به شهرهای آنها انجام می‌داد. بدین ترتیب اقدامات وی در منصب فرماندهی

ژاندارمری و اثبات وفاداری خویش به شاه منجر به ارتقای او به مقام وزارت کشور در کابینه‌های شریف‌امامی و ازهارى شد.

در نهایت قره‌باغی در واپسین روزهای رژیم شاه با قرارگرفتن در سمت ریاست ستاد بزرگ ارتشتاران و سپس عضویت در شورای سلطنت مزد وفاداری خود به شاه را دریافت کرد. وی در سمت ریاست ستاد بزرگ ارتشتاران تلاش زیادی برای تثبیت پایه‌های سلطنت از خود به خرج داد اما زمانی که مقاومت را بی‌فایده دید، به ناچار برای نجات خویش با اعلام بی‌طرفی ارتش، در شورای فرماندهان ارشد نظامی در بیست و دوم بهمن ۱۳۵۷ موافقت کرد.

علیرغم اینکه وی از سوی سلطنت‌طلبان و شاهپور بختیار متهم به خیانت و عامل فروپاشی دولت بختیار شد، با بررسی اسناد موجود در آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی و اقدامات قره‌باغی برای سرکوب انقلابیون تا آخرین لحظات عمر رژیم پهلوی، خلاف این فرضیه را ثابت می‌شود. ■

پی‌نوشت‌ها

۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی. کد ۵۱۵۹
۲. عباس قره‌باغی، اعترافات ژنرال. خاطرات ارتشبد عباس قره‌باغی (مرداد - بهمن ۵۷). تهران، نشر نی، ۱۳۶۴، صص ۱-۲.
۳. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی. همان.
۴. حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، تهران: انتشارات اطلاعات، چ سوم، ۱۳۷۰، صص ۶۴۸-۶۴۹.
۵. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی. همان.
۶. همان.
۷. حسین فردوست، همان، صص ۱۲۶-۱۲۵.
۸. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی. همان.
۹. همان.
۱۰. همان.
۱۱. عباس قره‌باغی، همان، صص ۴.
۱۲. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی. همان.
۱۳. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۲، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، صص ۱۲۱.
۱۴. غلامرضا نجفی، تاریخ بیست و پنج‌ساله ایران، ج ۱، تهران، رسا، ۱۳۷۳، صص ۳۳۲.
۱۵. عباس قره‌باغی، همان، صص ۵.
۱۶. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی. همان.
۱۷. حسین فردوست، همان، صص ۴۹۱-۴۹۰.
۱۸. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی. همان.
۱۹. حسین فردوست، همان، صص ۴۹۱.
۲۰. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی. کد ۵۱۵۸.
۲۱. همان، کد ۵۱۶۰.
۲۲. همان، کد ۵۱۵۹.
۲۳. همان، کد ۵۱۵۸.
۲۴. همان، کد ۵۱۵۹.
۲۵. همان، کد ۵۱۵۸.
۲۶. همان.
۲۷. همان.
۲۸. همان.
۲۹. همان.
۳۰. همان.
۳۱. همان.
۳۲. همان.

۲۳. همان.
۲۴. همان.
۲۵. همان، کد ۵۱۵۹.
۲۶. همان، کد ۵۱۵۸.
۲۷. همان، کد ۵۱۶۰.
۲۸. همان، کد ۵۱۵۹.
۲۹. همان، کد ۵۱۵۸.
۴۰. همان، کد ۵۱۹۶.
۴۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ما گرفتار یک جنگ واقعی روانی شده‌ایم، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، صص ۱۷۵؛ دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، روزشمار انقلاب اسلامی، ج ۴، تهران، حوزه هنری، ۱۳۷۸، صص ۲۰۵-۳۰۰.
۴۲. آیندگان، ۵۷/۶/۸، شماره ۳۲۰۵، صص ۱۸ و ۱.
۴۳. همان، صص ۲۲.
۴۴. عباس قره‌باغی، همان، صص ۲۶.
۴۵. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تصمیم شوم، جمعه خونین تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، صص ۱۵۹-۱۵۹.
۴۶. همان.
۴۷. رادیو بی‌بی‌سی، تحریر تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی به کوشش ع. باقی، تهران، نشر تفکر، ۱۳۷۳، صص ۲۸۹-۲۸۷.
۴۸. حسین فردوست، همان، صص ۵۸۱-۵۸۲.
۴۹. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۵۱۹۶.
۵۰. حسین فردوست، همان، صص ۵۸۷-۵۸۶.
۵۱. دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، روزشمار انقلاب اسلامی، ج ۷، تهران، حوزه هنری، ۱۳۷۹، صص ۳۷۷.
۵۲. مهر ایران، ۵۷/۸/۲۲، شش ۴۶۳۱، صص ۱.
۵۳. عباس قره‌باغی، همان، صص ۷۰.
۵۴. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۵۱۵۸.
۵۵. عباس قره‌باغی، همان، صص ۱۲۷.
۵۶. همان، صص ۱۲۸.
۵۷. حسین فردوست، همان، صص ۶۰۸-۶۰۷.
۵۸. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۵۱۹۶.
۵۹. همان.
۶۰. اطلاعات، ۵۷/۱۰/۱۷، ش ۱۵۷۵۴.
۶۱. هایزر، مأموریت مخفی هایزر در تهران: خاطرات ژنرال هایزر ترجمه: محمدحسین عادل، تهران، انتشارات رسا، ۱۳۶۵، صص ۱۱۴.
۶۲. همان، صص ۱۲۶.
۶۳. همان، صص ۱۶۸.
۶۴. عباس قره‌باغی، همان، صص ۱۵۲.
۶۵. همان، صص ۱۶۶-۱۶۵.
۶۶. حسین فردوست، همان، صص ۶۰۲-۶۰۱.
۶۷. هایزر، همان، صص ۲۰۱.
۶۸. اطلاعات، ۵۷/۱۰/۲۵، ش ۱۵۷۶۰، صص ۲.
۶۹. اطلاعات، ۵۷/۱۱/۲۳، ش ۱۵۷۶۶، صص ۲.
۷۰. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۵۱۵۸.
۷۱. همان.
۷۲. هایزر، همان، صص ۴۲۳.
۷۳. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۵۱۵۸.
۷۴. همان.
۷۵. حسین فردوست، همان، صص ۶۲۵.
۷۶. عباس قره‌باغی، همان، صص ۳۴۹-۳۵۶.
۷۷. اطلاعات، ۵۷/۱۱/۲۳، ش ۱۵۷۸۳، صص ۴.
۷۸. عباس قره‌باغی، همان، صص ۳۶۴-۳۶۳.
۷۹. حسین فردوست، همان، صص ۶۷۸.
۸۰. هایزر، همان، صص ۴۵۵.
۸۱. عباس قره‌باغی، ماجرای فرار ارتشبد قره‌باغی، تهران، نشر آبی، چ دوم، ۱۳۸۰، صص ۲۷، ۲۸.
۸۲. همان، صص ۱۱۷، ۱۱۹.
۸۳. ایران پست لندن، ۱۷ مرداد ۱۳۵۹.
۸۴. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۵۱۹۶.
۸۵. ماجرای فرار ارتشبد قره‌باغی، صص ۲.